

پیش‌درآمدی بر صنایع روستائی قسمت ششم

صنایع معدنی...

● ایجاد رابطه بین مصرف کنندگان و تولیدکننده‌ها جهت بکارگیری سلیقه‌ها، طرح‌ها و رنگ‌های مورد پسند مصرف کننده در تولید نیز موثر خواهد بود.

● عنایت به این بخش‌های اقتصادی نیازمند یک سیستم و تشکیلات هماهنگ کننده است که از طرفی خدمات لازم را به آنجا برساند و از جانب دیگر تولیدات این واحدهای کوچک را مورد حمایت قرار دهد.

● کارگاههایی که سنگهای استخراجی را در همان مناطق تولید، آماده مصرف می‌نماید می‌تواند در ایجاد اشتغال و تزریق درآمد به روستائیان نیز به سهم خود نقش عمده‌ای را ایفا نماید.



موسسه علمی و مقالات فزنی
روان جامع علوم انسانی

تاکنون هر نوع صنعتی را به بحث و بررسی گذاشتیم عمدتاً مواد اولیه آن از طریق، دامداری، کشاورزی و جنگلداری تهیه و تولید می‌شد. اکنون رفته رفته به سمتی در حرکت هستیم که از این مدار خارج شده و به اشکال و کیفیتهای دیگری به صنعت در روستا می‌رسیم، لذا صنایعی که می‌تواند تحت عنوان صنایع مستقر در روستا مورد بررسی قرار گیرد را با صنایع معدنی پی می‌گیریم.

گونه‌های مختلف صنایع را که منجر به تولید و تغییر شکل منابع و ذخائر زمین می‌گردد را صنایع معدنی تعریف می‌کنیم که عمدتاً انواع آن در بیشتر نقاط کشور وجود دارد که با توجه به شکل و شیوه فرهنگ معرف آن میزان ترقی و تکنولوژی بکاررفته در آنها گوناگون است. چنانچه نفت، گاز، سنگ آهن، مس، طلا، اورانیوم، منگنز و صدها نوع دیگر از معادن عظیم و غنی کشور را در تعریف خود بگنجانیم بررسی ساده ما حالت خاصی به خود خواهد گرفت که در اینجا بدنبال آن نیستیم و در آتی بمناسبت به بحث گذاشته خواهد شد، اما آن چیزی که در این بخش در نظر می‌باشد عبارت است از استخراج و تغییر شکل و تولید آن بخش از معادن که سالیان سال حتی بطور سنتی نیز براساس نیاز در مناطق روستایی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته که ادامه آن در شرایط کنونی به جهت‌ها و کیفیتهای مختلف در حال فعالیت می‌باشند. قبل از بررسی آن به این موضوع اشاره شود که خصوصیت صنعت بویژه این بخش از صنایع با عنایت به پیشرفت علم و تکنولوژی صنعتی نیازمند به خدمت‌رسانی از دانستنیهای حرفه‌ای و فنی می‌باشد که انجام این مهم نیازمند به متولی خاصی است که از طرفی به فنون جدید آشنائی کامل داشته و از طرف دیگر ارتباط ملموس و واقعی با روستا داشته باشد که توانائی انتقال مستمر و صحیح آن را نیز کسب نموده باشد.

۱- صنایع معدنی روستا

با محدود شدن صنایع معدنی روستا به انواع خاص و ساده‌اش، نوع مستداول آن را برگزیده و در صدد تبیین تنگناهای کلی و عمومی این بخش خواهیم بود.

۱- صنعت سفالگری

مواد اولیه صنعت سفالگری در نقاط مختلفی از کشور وجود داشته و این صنعت دارای یک قدمت بسیار کهن می‌باشد و در حال حاضر نیز در بعضی از مناطق، بخش عمده‌ای از فعالیتهای اقتصادی آنجا را تشکیل می‌دهد اما بعلت عدم توجه اساسی و کافی در گذشته به این حرفه نه تنها رشدی را در این بخش مشاهده نمی‌کنیم بلکه در بعضی مناطق بعلت تغییرالگوهای مصرف و نموداری فرهنگ مصرفی بطور کلی روبه فراموشی است

نمونه‌هایی از آن را در استفاده از سفال در سقف منازل شمال کشور بوضوح مشاهده می‌کنیم و در انواع دیگر کالاهای این بخش انواع مختلف ظروف مصرفی و تزئینی نیز بعلت رسوخ فرهنگ مصرفی و گرایش به مصرف ظروف خارجی و غیره سبب رکود تولید در این بخش نیز شده است که توجه به این مهم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، لذا آنچه مورد توجه بسیار باید قرار گیرد:

۱- تفهیم فرهنگ خود کفائی و استفاده از کالای تولید شده در داخل کشور و ارجحیت مصرف آن به مشابه‌های خارجی آن می‌باشد.

۲- با قراردادن تعرفه‌های سنگین گمرکی امکان هر گونه رقابتی را در بازار از کالاهای مشابه خارجی سلب نمائیم.

۳- شیوه‌های تولید صحیح و مناسب با استفاده از ابتکارات و خلاقیت‌های صنعتکاران مناطق مختلف و همچنین از چگونگی پیشرفت تولید در انواع خارجی آن، تهیه شده و به صنعتکاران بطور ترویجی، آموزش داده شود.

۴- ارتباط مستقیم بین مصرف کنندگان و تولید کننده ایجاد شده تا تغییر سلیقه‌ها در شکل و نوع و رنگ و طرح‌ها به تولید کننده منتقل شود تا در کیفیت تولید اثر بگذارد.

۵- ایجاد واحدهای بهداشتی لازم در این رابطه می‌تواند نقش بسزائی را در کاهش بیماریهای کارگران این بخش داشته و گام مثبتی در درمان حاصله از آن باشد.

۶- ایجاد شبکه‌های راه مواصلاتی و حمل و نقل بین مناطق تولید و مصرف.

۷- ایجاد شبکه‌های فروش که سود ناشی از آن مستقیماً به تولید کننده روستائی تعلق گیرد.

۸- ایجاد مراکز تولیدی در مناطق مختلف که در مرکز چندین روستا بوده که ضمن بکارگیری از نیروهای بیکار روستاها، موجب سهولت رفت و آمد بین محل زندگی و محل کار روستائی شده، از مهاجرت غیر ضروری آنان در حد خود جلوگیری نموده و همچنین حتی المقدور در صورت وجود زمین و شغل



کشاورزی و بیگاریهای فصلی از فعالیت در این بخش نیز جدا نشود تا به این صنعت بعنوان یک حاشیه کار توجه کند.

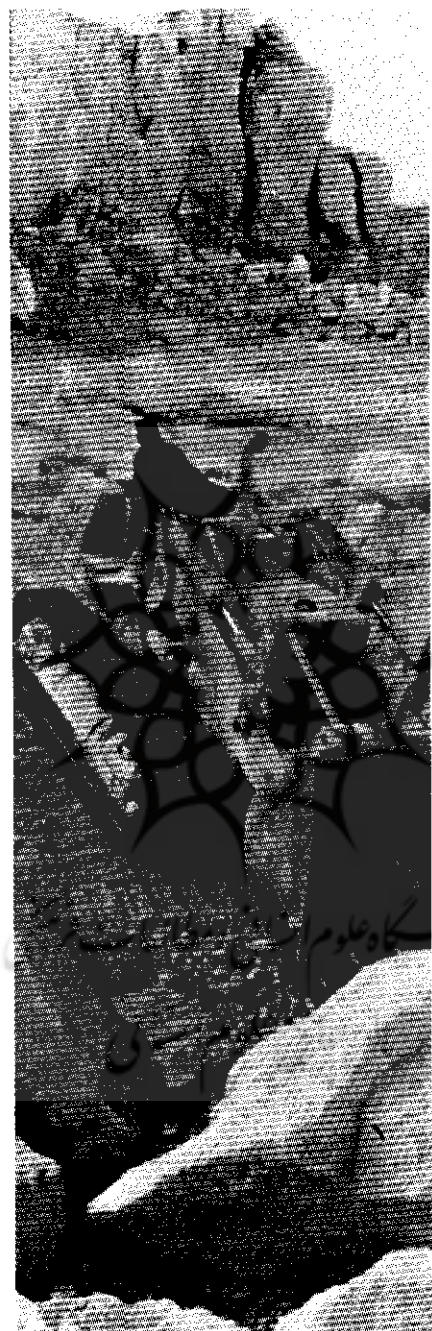
۹- ایجاد هماهنگی با واحدهای تولیدی دیگر که ممکن است کالاهای تولید شده در این بخش در قسمتهای دیگر اقتصادی بکار گرفته شود. البته به این موضوع اشاره خواهد شد که یک چنین توجه و عنایتی به این بخش اقتصادی و یا هر بخش دیگر نیازمند به یک سیستم و تشکیلات هماهنگ کننده است که از طرفی خدمات لازم را به آنها برساند و از جانب دیگر تولیدات این واحدهای کوچک را مورد حمایت قرار دهد. بنابراین وجود یک سازمان بدون تشریفات و بدور از نظام دیوانسالاری جهت هماهنگی این بخشهای نوپا و ضعیف ضروری خواهد بود.

۲- معادن سنگ

معادن سنگ که در بسیاری از نقاط کوهستانی کشور یافت می‌شود دارای انواع گوناگونی می‌باشند که براساس کیفیت و مرغوبیت آن در شکلها و بخشهای مختلف ساختمانی، راهسازی، پلسازی و سنگ فرش نمودن کاناالهای آبرسانی مناطق روستائی و غیره بکار گرفته می‌شود که گذشته بر این در موارد زیادتری نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است. تحول نسبتاً مهمی که در این بخش از صنایع معدن رخ داده استفاده نمودن از ماشین جهت استخراج و آماده نمودن جهت مصرف می‌باشد که قبل از آن بیشتر از نیروی انسانی جهت مهیاسازی آن بهره گرفته می‌شده، بسا وجود بکارگیری تکنولوژی جدیدتر در این بخش و به تبع آن سود بیشتری که عاید این قسمت خواهد شد می‌توان نقش جداگانه‌ای را بر آن در روستا و مناطق دور افتاده در نظر گرفت.

اما یکی از مهمترین مسائل مهم در این بخش نوع سرمایه‌گذاری است که در گذشته انجام میشده و بعضاً در حال حاضر نیز هست و آن بکارگیری سرمایه کسانی است که نوعاً در روستا و مناطق عقب افتاده زندگی نمی‌کنند و سود ناشی از این بخش نیز مستقیماً به شهر و مراکز متمرکز سرازیر می‌باشد و تنها عایدی که به روستا و اقتصاد روستا خواهد داشت همان حقوق می‌باشد که بعنوان کارگر ساده دریافت می‌کنند. لذا این موضوعی است که نیازمند تعمق بوده و چنانچه با همکاری خود روستائیان و اجتماع سرمایه‌های کوچک و حمایتی که از طرف نهادهای مسئول بشوند و یک چنین کانون‌های ساده اقتصادی ایجاد شود کمک شایانی به درآمد روستائیان خواهد شد. البته این حمایت را در قالب آموزش‌های حرفه‌ای و انتقال شیوه‌های صحیح مدیریتی و غیره تعریف کرده که نهایتاً عمده کارها بعهد خود تولید کنندگان روستائی خواهد بود.

تمرکز و تراکم شهرها کمک نماید. بنابراین ضروری است که در همان روستا و مناطق غیر شهری سودها به جریان پولی روستا و غیره منتقل گردد.



در این بخش نیز اعمال شیوه‌های جدید تولید و استفاده از تکنولوژی متناسبی که در داخل کشور وجود داشته و تولید می‌شود می‌تواند اثرات سازنده‌ای را داشته باشد.

۴- گنج‌بزی

این بخش از صنایع که عموماً در حاشیه شهرها قرار دارد همانند قسمت فوق نیازمند

مطلب دیگری که در این بخش نیز قابل عنایت است آموزش و ترویج شیوه تولید و بکارگیری از شکل‌های ساده و پیشرفته مناسب آن است که همواره در بکارگیری از ماشین و شیوه استخراج از معادن دخالت داشته و راه‌های آسان و پربدرآمد را اشاعه می‌دهد و در کنار آن شیوه حمل و نقل انواع سنگ‌های تولیدی نیز به جهت نیازمندی‌هایی که موجود است به تبع تولید بکار گرفته می‌شود.

از مسائل مهم دیگری که باید در این بخش به آن توجه کرد تغییر شکل سنگ‌های معدنی است که مورد مصرف قرار می‌گیرد و عموماً مشاهده می‌شود که کارگاه‌های تبدیل و تغییر شکل در همان مناطق روستایی قرار ندارند و در شهرها متمرکز شده‌اند. ایجاد یک چنین کارگاه‌هایی که سنگ‌های تولید شده را در همان مناطق آماده مصرف نماید می‌تواند در اشتغال و تزریق درآمد به روستائیان نیز به سهم خود نقش عمده‌ای را ایفا نماید و این موضوع نیز از یک طرف از تمرکز جلوگیری کرده و از طرف دیگر ضمن جلوگیری از مهاجرت یک درآمد مکفی در مناطق مربوطه ایجاد می‌نماید.

۳- آجرپزی

تمرکز اینگونه کارگاه‌ها که عموماً در حاشیه شهرها قرار دارد نیز اثرات گوناگونی را به اقتصاد شهر و روستا وارد نموده است که فعال شدن نیروهای رانده شده از شهر و مهاجر از روستا در این بخش با شرایط کاملاً غیربهداشتی که منجر به اختلالات و بیماری‌های مزمن کارگران شده است در خور توجه است. شکل و نوع سرمایه بکار گرفته شده در این بخش نیز نیازمند یک بررسی همه جانبه است که براساس همان نگرشی که قبلاً اشاره شده سرمایه‌گذاری در این بخش‌های اقتصادی چنانچه بدون توجه به واقعیت‌های اقتصادی جامعه قرار گرفته باشد اثرات مطلوبی را نخواهد داشت و لازم است که سود ناشی از این بخش در روستا بماند و به

به برنامه‌ریزی در ابعاد گوناگون بسوده تا مجموعه‌ای از سیستم عدم تمرکز را ایجاد نماید که بلحاظ وجود مصرف کننده در تمام مناطق شهر و روستا می‌تواند رونق مناسبی داشته باشد. شکل‌گیری این بخش در مناطق عقب افتاده اثر بسزائی در اقتصاد آنجا خواهد گذاشت.

۵- معادن طلا، نقره، فیروزه و غیره

مالکیت این بخش از معادن که جزو انفال نیز می‌باشد عمده‌تاً در اختیار دولت بوده و صرفاً کارگران تحت نظارت مدیریت دولتی بکار گرفته می‌شوند که بخودی خود نیز در ایجاد اشتغال در مناطق مربوطه نقش خواهد داشت، و همانگونه که اشاره شد چنانچه فقط به استخراج از معادن در روستا اکتفا نشود و صنایع تبدیلی و تکمیلی آن نیز در همان مناطق ایجاد شود و روستائی بتواند با کار و فعالیت در این بخشها، از روستا و فرهنگ روستائی خویش به دور نیافتد از اساسی‌ترین حرکت‌هایی خواهد بود که باید به آن توجه خاصی شود تا روستا را بعنوان مراکز تولید مستقل در شکل‌های جدید و در قالب همان فرهنگ حفظ نماید.

۶- صنایع خدماتی

در مباحث آینده به این موضوع مفصل پرداخته خواهد شد که آیا در حد صناعی که در بالا از آنها نام برده شد اکتفا کنیم و یا این حرکت سازنده را در برنامه‌ریزی ادامه دهیم که درباره شکل و نوع و محل صناعی غیر از آنچه تاکنون گفته شد بحث خواهیم کرد که عموماً صنایعی را تشکیل خواهد داد که مواد اولیه آن از خارج از مناطق روستائی تامین می‌شود. اما آنچه‌ی که تحت عنوان صنایع خدماتی قرار می‌دهیم عبارت است از خدمات حرفه‌ای و فنی که نیازهای فوری و جزئی و فنی بخش‌های مختلف صنعتی را برآورده می‌نماید و عموماً به علت عمومیت خدماتی که این بخش دارند یک گام از روستا عقب رفته و در «مراکز دهستان» آنها را متمرکز می‌نمائیم.

الف- تراشکاری

تراشکاری صنعتی ظریف و حرفه‌ای است که نیاز به اطلاعات فنی دارد و قبل از هر چیز به یک دانش فنی در حد متعارفی نیازمند است. آموزش افراد علاقه‌مندی که تمایل به خدمت در این مراکز را نیز داشته باشند می‌تواند در یک برنامه‌ریزی میان مدت قرار گیرد، و تهیه ماشین آلات مربوطه نیز با توجه به سرمایه‌ای که احتیاج دارد قابل توجه است که در قالب شرکتهای تعاونی تولیدی می‌تواند براساس نیاز هر منطقه شروع بکار نماید. البته ضروری است کمیت این کارگاهها مورد مطالعه قرار گرفته و با توجه به نیاز منطقه



مزبور به ۵٪ کل جمعیت روستائی رسیده است. چنین موفقیت‌هایی در نتیجه دستاوردهای پیشین، از قبیل ایجاد یک «شبه صنعتی قادر به تولید فرآورده‌های زراعی و کالاهای مصرفی» بدست آمده است. اساس برنامه‌ریزی در سطح ملی به یک «اقتصاد متنوع» قرار داده شده است:

- سرمایه‌گذاری در هر دو بخش کشاورزی و صنعتی.

- خارج شدن گروه بیشتری از مردم از بخش کشاورزی بویژه در مناطقی که مستعد زراعت نیستند.

- واز آنجا که در آینده نزدیک بودجه بیشتری به امر کشاورزی تعلق نمی‌گیرد، ادامه بهره‌گیری از سازمانهای موجود بمنظور پایبند کردن مردم در توسعه مناطق بدست خود مردم.

تاکنون سیستمهای جدید مدیریت، امور اداری و مسئولیت دهی به محک تجربه آزموده شده‌اند. تعاونیها ترویج گشته‌اند. از خانواده‌ها خواسته می‌شود کار روی زمین را رها نکنند. صنعتی شدن مناطق روستائی و گسترش شهرهای کوچک و متوسط، تشویق و ترغیب می‌گردد. باید گفت نظام جدید، دشواریهای خاص خود را نیز بهمراه آورده است، رونق در خانه‌سازی روستائی، بطور مثال، زمینهای زراعتی را از میان برده است، به این ترتیب، دولت ناچار به ساختن خانه‌های دو طبقه شده است.

اما چنین خانه‌هایی به سیمان و آهن نیاز دارد که به سختی کمیاب‌اند. پاره‌ای از مشکلات بجا مانده از گذشته هنوز باید حل گردند.

تغییر دهندگان سیستم، با تمرکز بیش از حد قدرت روبرو هستند که همراه با وارد کردن شیوه‌های برنامه‌ریزی و سیستمهای اداره مزارع اشتراکی از خارج از کشور در گذشته پدید آورده است و اصرارشان اینست که کشور بسوی یک دموکراسی متعالی گام بردارد. در آن صورت است که قادر خواهند بود به خواسته‌های خود دست یابند و به این ترتیب توسعه یکپارچه روستائی به پیش رود.



علاقتمندی نشان داده‌اند. دولت در مناطق فقیرتر، مناسبترین قیمت را به کشاورزان می‌پردازند. چنین مناطقی از پرداخت مالیات کشاورزی معاف شده‌اند. از عایدات دولت در چنین مناطقی ۲/۳۵ میلیون تن کالا و بعبارتی دو میلیارد «پن» کاسته شده است.

علاوه بر آن، به مسئولین امور روستائی گوشزد شده است که عمده وقت خود را در مناطق فقیرتر بگذرانند و تلاشهای بیشتری در جهت یافتن امکاناتی که در آمدهای بالاتری را بدنبال بیاورد، بکار بندند.

همزمان با افزایش پول بیشتر در روستاها، مسئولین رسمی دولتی در این روستاها می‌باید بیشتر به امور رفاهی بپردازند.

خانه‌هایی برای سالمندان، حذف شهریه مدارس، بنای ساختمانهای برای استفاده عمومی جامعه در اوقات فراغت و آغاز فعالیت جهت استقرار نخستین بخشهای یک سیستم بازنشستگی روستائی.

هر چند مناطق غنی‌تر با سرعت بیشتری رشد یافته‌اند، بدیهی است که خط‌مشی‌های نوین اقتصادی، توسعه یکپارچه روستائی را در مناطق فقیر تقویت می‌کند.

از تعداد بخشهای زیر «خط فقر»، دو سوم کاهش یافته و بدین ترتیب، شمار بخشهای

ایجاد شود.

ب- ریخته‌گری

این بخش هم متناسب بانیاژ منطقه در مراکز دهستان می‌تواند جای گیرد و آموزش حرفه‌ای و کمکهای سرمایه‌ای به تولید کنندگان نقش مهمی در پراگیری آنها خواهد داشت. البته باید به این موضوع بسیار توجه شود که منظور از آموزش فقط یک دوره آموزش متوسط و یا حتی عالی نیست بلکه آنان ضمن آموزش ابتدائی همواره بایک بخش الهام دهنده و اشاعه دهنده شیوه‌ها و تکنیکهای جدید در این بخش نیز مرتبط باشند و بتوانند ضمن بکارگیری از ابتکار و خلاقیت‌های خود از شیوه‌ها و دانش جدید هم بهره‌گیری نموده و یک حالت پویا که همگام بانوآوری نیز باشد را ایجاد نماید.

۷- واحدهای تعمیری

این واحدهای فنی نیز که در مراکز دهستانها متمرکز خواهند بود می‌توانند خدمات فنی مورد نیاز به بخشهای کشاورزی را جهت تعمیر ماشین‌آلات مربوطه و خودروها و وسائط نقلیه‌ای که در آن مناطق در تروده هستند را ارائه نماید که ضمن ایجاد اشتغال در روستا و ارائه خدمات سریعتر به تولید کنندگان روستائی از ترودد بدون ثمر و زائد آنها نیز جلوگیری می‌نماید.

بخشهای مختلفی که در اینجا اشاره شد بعنوان نمونه در نظر گرفته شده که با تنوع اقلیمی بسیاریزادی که در کشور وجود دارد از شکلهای دیگر این صنایع می‌توان نام برد که عمده‌ترین مسئله در رابطه با این بخشها را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱- ایجاد یک سیستم هماهنگ کننده که هر بخش را جداگانه زیر پوشش خود بگیرد.

۲- توجه کافی به شکل سرمایه‌گذاری در این بخشها.

۳- ارتباط مستقیم آموزشی و سازمان یافته و مستمر جهت ارتقاء دانشهای تخصصی تولید کنندگان.

۴- ارتباط مستقیم بین مصرف کنندگان و تولید کنندگان جهت بکارگیری سلیقه‌ها، طرحها و رنگهای مصرف کننده در تولید.

امید است در آینده بخشهای دیگر صنایع را که ضروری است در ارتباط با روستا قرار گیرند مورد دقت و بررسی قرار دهیم که در شماره آینده سعی خواهد شد عملکرد جهاد را در این باره به نظر خوانندگان برسانیم.

ادامه دارد

